

خیام نگرش غربی ها به شرقی ها را متحول ساخت



یک پژوهشگر ادبیات گفت: ترجمه اشعار خیام چهارمین اثر مکتوب در میان آثار ادبا و دانشمندان غربی است. به گزارش ایبنا، عبدالقادر آرمند در نشست سخنرانی درباره رباعیات خیام با حضور علاقه مندان ادبیات در کتابخانه مستوره کردستانی شهرستان بوکان اظهار کرد: خیام در قرن پنجم هجری می زیسته است و با بزرگانی چون خواجه نظام الملک هم عصر بوده است. او سرآمد زمان خود در علم ریاضی و نجوم و... بوده و غیر از ابوعلی سینا کسی را قبول نداشته است. خیام از ابن سینا که در علم آن زمان دست بالایی داشت، به عنوان معلم خویش یاد می کند.

این نویسنده و پژوهشگر ادبیات کردی با بیان اینکه جز چندین رساله هیچ کتاب رسمی از خیام باقی نمانده است، ادامه داد: خیام که از پیروان فلسفه مشایی بود بیشتر زندگانی خود را به قدم زدن و فکرکردن گذراند. او در ریاضی هم یکه تاز بود و تقویم جلالی اش ۲۷ برابر دقیق تر از تقویم میلادی امروز است. خیام محل دفن خود را طوری طراحی کرده است که همیشه در اوایل بهار سبزیز و پرگل و خرم باشد.

او افزود: خیام به داشتن حافظه فوق العاده قوی شهرت داشته است. آرمند همچنین به ترجمه رباعیات خیام به زبان های مختلف دنیا پرداخت و گفت: ترجمه رباعیات خیام به زبان انگلیسی تحولی در نگرش غربی ها به شرقی ها ایجاد کرد و بسیاری از اشعار او در فرهنگ غرب به صورت ضرب المثل درآمده است. به طوری که اشعارش عنوان چهارمین اثر مکتوب را در میان آثار ادبا و دانشمندان غربی به خود اختصاص داده است.

سخنران برنامه خاطرنشان کرد: اعتبار علمی خیام تا بدان جاست که ناسا یک آتش فشان کره ماه و یکی از سیاره ها را به نام او نام گذاری کرده است و به طور کلی می توان خیام را شخصیتی محبوب در اروپا قلمداد کرد که دغدغه اصلی اش مرگ و از دست رفتن زمان است و او تنها چاره مرگ را غنیمت دانستن زمان حال می داند و معتقد است گذشته ای که رفته و آینده ای را که هنوز نیامده است، باید رها کرد و در زمان حال زیست.

تمدید مهلت شرکت در رویداد «رحیل»



مهلت شرکت در مسابقه خاطره نویسی « رحیل » تمدید شد. به گزارش تسنیم، این رویداد فرهنگی در برسد ارزنده نخستین فراخوان برای گردآوری خاطره نگاری زنانه از اولین سفر اربعین است و مجمع بانوان نویسنده انقلابی آن را برگزار می کند.
خاطرات

و نوشته های ارسالی حداکثر در هزار کلمه باید نوشته شود و محورهای فراخوان نیز به شرح زیر اعلام شده است:
زوایای خاص این سفر برای زن ایرانی مجرد و متأهل و دارای فرزند، خاطره ای خاص از تجربه متفاوت ونقطه عطفی که در زندگی راوی پیش آمده، خاطره ای از سبک زندگی زنان موکب دار عراقی، خاطره از زنانی با ملیت های خاص و متفاوت اسلامی و سبک زندگی و نگاه آن ها به این سفر و مفهوم زیارت، خاطره ای از زنان قومیت های مختلف ایران و سبک زندگی و نگاه آن ها به این سفر و مفهوم زیارت،
خاطرات مادرانه از تأثیرات و نکات تربیتی این سفر.
مهلت ارسال آثار تا ۱۵ شهریور مصادف با ۲۰ صفر اعلام شده است و علاقه مندان می توانند آثار خود را به نشانی https://www.digisurvey.net/u/test/0a1i9 بفرستند.
به صاحبان آثار برگزیده جایز ارزنده ای اهدا و خاطرات برگزیده در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

برگزیده رمان اولی «واتر استونز» معرفی شد

مسئولان برگزاری جایزه ادبی «واتر استونز» برنده نویسندگان رمان اولی را از میان شش نامزد انتخاب کردند. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «الیس وین» برای نگارش رمان «در یادبود»، برگزیده جایزه برترین نویسنده رمان اولی «واتر استونز» شد. این رمان در حال و هوای جنگ جهانی اول به نگارش درآمده است. «مایکل مگی» با «زدیک به خانه»، «کالین والش» یا «کالا»، «نانا کوام آچی برینیا» با رمان ضدآرمان شهری «گروه آل استارز» در کنار «روح های سرگردان»، نوشته «سیمسل پین» و «فایر راش» نوشته «ژاکلین کروکس» که برای دریافت جایزه ادبیات داستانی زنان نیز نامزد شده بودند، دیگر نامزدهای دریافت جایزه بودند.

زین قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**

همانطور که گفته شد در صحبت با دانشجویان مشخص شد عدم ارائه در ست و کافی مطالب یکی از دلایل این موضوع بود.

- ویراسته**

همان طور که گفته شد در صحبت با دانشجویان مشخص شد، ارائه نادر ست و کافی مطالب یکی از دلایل این موضوع بود.

- نکته**

در این ویراسته، گذشته از اینکه از دست واژه ناچسب «عدم» رها می شویم، تعبیر روان و ساده ای را هم جایگزین تعبیری پیچیده می کنیم.

#زین-قنبرپارسی

شماره

اشبه ۵ شهریور ۱۴۰۲ ۱۰ مهر ۱۴۴۵ شماره ۴۰۲۲

۱۰

↓

فرهنگ و ادبیات

نمی توان از شعر دفاع مقدس سخن گفت و نسبت آن را با شعر عاشورایی نادیده گرفت. شعر عاشورایی پس از انقلاب که در قسمت قبل اشاره ای به چند شاعر جریان ساز و داعیه دار آن کردیم، با آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، سمت و سویی ویژه پیدا کرد. از طرفی، مضامین و محتواهای مشترک بین نهضت امام حسین^(ع) و دفاع مقدس مانند شهادت و ایثار و فداکاری، مبارزه با ستم، دفاع از کبان دینی و واژه هایی که میان این دووجه معنایی مشترکی دارند مانند لاله، شقایق، خون و... باعث شد شعر عاشورایی و دفاع مقدس به مفهومی مشترک برسند. بسته بودن راه کر بلا نیز که سال ها ایرانیان را در حسرت دیدار حرم امام حسین^(ع) گذاشته بود و این بار در سوی دیگر این نبرد و در کشور متخاصم قرار داشت، انگیزه های شاعران

را در پررنگ تر رقم زدن این نسبت بیشتر کرد و غربت و حسرت و اشتیاق زیارت حرم اباعبد...^(ع) در شعر دفاع مقدس جانی تازه گرفت و آرزوی دیدن کر بلا در این اشعار نمود بیشتری یافت. این نسبت چنان پررنگ شد که می توان شعر دفاع مقدس را شاخه ای از شعر عاشورایی برشمرد. از دیگر سو، ذات حماسی هر دو ماجرا باعث شد شباهت های سبکی در آن ها آشکار شود و پیام ها و انگیزه های مشترک، ذهن شاعران را به خلق مفاهیم مشترک برساند، از این روست که شاعری

چون حسین اسرافیلی می سراید: «مرهم زخم های خورشید است/ بوسه بر خاک کر بلائی شما» یا نصرا... مردانی می گوید «ما لشکر عظیم امامیم و روز رزم/ در کر بلائی روشن خون بی نهایتیم.» از



زهرا نجار ویدارن ویراستاری

زاویه ای دیگر، جنگ و دفاع مقدس را دقیقاً تکرار تاریخی همان قیام حسینی می دانند، اما در روزگار و خاک و زمینی دیگر و علیرضا قزوه با همین نگاه می گوید: «باز هنگامه پیکار حسین است و یزید/ کیست باری کند اینک پسر فاطمه را» و موسوی گرمارودی همین معنا را به صراحت بیان می کند که: «امروز پیکار یزیدی و حسینی است/ در کر بلائی ما حسین ما خمینی است.» با این نگاه ابعاد معنایی دیگر عاشورا چون جانبازی، شهادت، اسارت و... که در جبهه و دفاع مقدس تکرار می شد، در شعر دفاع مقدس نیز بازتاب یافت. شاعری چون سیمین دخت وحیدی از همین زاویه نگاه می کند و می سراید: «امروز نیست روز تن آسایی/ روزی است تا ز کف بگذاری سر// باید حسین وار در این

محمدحسن شهنساری در جمع مخاطبان مشهدی مطرح کرد

برای داشتن احساس رضایت، استعدادات را محقق کن



می دهند. این آدم ها به شدت توان شناخت اصل از حاشیه را دارند. اگر فکر کنند قرار است رمان بنویسند و به مهمانی دعوتند، می فهمند که مهمانی رفتن برایشان بد است. شناخت اصل از حاشیه یکی از توانایی های این آدم هاست.

همدلی: درک چگونه فکر کردن دیگری. این برای نویسنده ها و روان درمانگرها واجب است. درک لزوما به معنای حق دادن نیست. این استعداد باعث می شود بفهمید که منفورترین آدم چطور فکر می کند که عملی را انجام می دهد، اما معنای این گفته این نیست که به او حق می دهید. همدلی ریشه شخصیت پردازی عمیق است. اگر می بینید تا لستوی توانسته در «جنگ و صلح» ۴۰۰ شخصیت بیافریند به این دلیل است که استعداد همدلی بالایی داشته است.

تحلیلگری: کسانی این استعداد را دارند که به شدت می توانند الگوها را پیدا کنند. می دانید که برای رمان نویسی و برای هر کاری که روند دارد الگوها

خیلی مهم است. یعنی جهان به شدت شلوغ که پر از داده است باید به تعدادی از الگوهای کوچک تبدیل شود. شما اگر نتوانید داده ها را به الگوها تبدیل کنید نمی توانید روی کاری مستمر تمرکز پیدا کنید. بحث پلات همان بحث الگوهاست. می دانیم که انواع الگوهای پلات داریم.

- معتبر شدن تلاش می خواهد، مشهور شدن شانس!

نویسنده و حتی نویسنده خوبی شدن به معنای مشهور شدن نیست، این نکته ای بود که شهنساری در بخش دیگری از صحبت هایش به آن اشاره کرد: بعضی وقت ها خلط مبحث می شود که فلانی چرا مطرح شد. یک مبحث بسیار مهمش شانس است. مادر دوره ای زندگی می کنیم که آدم های حوزه کسب و کار که کمی هم علوم خوانده اند رهبران فکری جامعه و دنیا هستند، استیو جابز و ایلان ماسک و مانند این ها. این آدم ها اگر ۲۰۰ سال پیش با همین استعداد در ونیز به دنیا می آمدند در بهترین حالت شاگرد نانو می شدند، اگر نه، یک نانواپی می زدند با صفحه گردان. چون آن موقع اشراف رهبران فکری جامعه بودند. زمان و مکان خیلی مهم است. راه دور نرویم. ابراهیم گلستان که تازه فوت کرده، زمانی مطرح شد که رهبری فکری ما دست نویسندگان بود. الان نویسندگان رهبری محله که چه عرض کنم، رهبری خانه شان را هم ندارند چون خجالت می کشند بگویند داستان می نویسند. بنابراین نمی توانید دوره ها را با هم مقایسه کنید. شما اگر بخواهید آدم معتبری بشوید حتما با تلاش شخصی شدنی است، اما اگر بخواهید آدم مشهوری شوید، شانس اهمیت دارد. زمانه و دوره و زمینه فعالیت می تواند آن ها را دو برادر ادبی خواند.»

قدم این است که مهارت آن کار را پیدا کنید. مهارت پیدا کردن کار سختی است. مثلاً شما نمی توانید همین طور که نشسته اید بگویید می خواهم رمانی ۱۰ جلدی بنویسم. باید مهارت هایی کسب کنید. اول باید یک پاراگراف بنویسید، بعد یک داستانک، بعد داستان کوتاه. و همین طور پیش بروید. وقتی شما مهارت هایتان از آن میلتان خیلی کمتر باشد دچار استرس می شوید. بنابراین یک نویسنده یا هر کسی که بخواهد از زندگی اش لذت ببرد باید مهارت هایش را ببرد بالا و این کار سختی است. در ازای همه این ها باید وقت و ارتباطات را بدهید. شما نمی توانید همزمان هم پدر خوب، هم پسر خوب، هم شهروند خوب، هم کارمند خوب، هم همسایه خوب، هم هنرمند خوبی بشوید. نمی شود. البته می توانید تلاش کنید کارهایی که بد است کمترین آسیب را به دیگران برزد. ولی اینکه بتوانیم در همه زمینه ها بی نقص باشیم، دروغی است که به ما می گویند.

- استعداد لازم برای نویسنده شدن
- شهنساری با ارجاع به یکی از کتاب های حوزه «روان شناسی مثبت گرا»، ۶۸ استعداد را برای کارهایی مانند داستان نویس شدن لازم دانست که عبارتند از:

روایتگری: کسانی به شدت علاقه مندند که تجربه های زیسته شان را به صورت داستان بیان کنند. شما نمی توانید فاقد این استعداد باشید و داستان نویس خوبی شوید. روایتگری ریشه جذابت در داستان است.

دستاوردگرایی: یعنی استعدادی که آدم های دارای آن از کار روزانه شان لذت می برند. یعنی اگر رمانشان قرار است ۱۰۰ هزار کلمه باشد و این ها روزی فقط ۲۰۰ کلمه می نویسند، از آن ۲۰۰ کلمه لذت می برند. خیلی از آدم ها فاقد این استعداد هستند بنابراین نمی توانند طولانی مدت روی کاری تمرکز کنند. **نظم گرایی:** برای کسی که چنین استعدادی دارد دنیا باید پیش بینی پذیر باشد. این آدم ها انرژی شان را وقتی به دست می آورند که بتوانند ساختار ذهنی و درونی شان را بر بیرونشان حاکم کنند. برای همین خیلی اهل برنامه ریزی هستند (همه این ها بدی های خوش را هم دارد). برای همین است که این افراد حتما باید درون گرا باشند. طبق پژوهشی که من در کتاب «حرکت در مه» آورده ام، ۸۱ درصد نویسندگان بزرگ درون گرا بوده اند. یعنی کسانی که از تنهایی انرژی می گیرند. شما با درون گرایی می توانید نظم گرایی را حفظ کنید.

تمرکز گرایی: دنیای افراد دارای این ویژگی عملاً آن کاری است که می خواهند انجام دهند. برای همین است که بدقول هستند یا خواسته و ناخواسته دروغ می گویند. چیزی به غیر از مقصد برایشان وجود ندارد. مقصد هم همان کاری است که انجام

خواهد کرد. چه راه اول را در پیش بگیري چه راه دوم را، باید با همه قلب و روح درگیر شوی، نصفه و نیمه نمی شود تجربه ای ارزشمند کسب کرد،

- استعدادهایت را محقق کن

نویسنده رمان پرچم «ایران شهر» که تاکنون پنج جلد آن منتشر شده بیان کرد: هر چیزی که استعداد های شما را محقق کند، به شما احساس خرسندی و خلاقیت خواهد داد. اصلاً اعتقاد ندارم داستان نویسی مرکز همه عالم است، نه. این طور نیست. اما برای من مرکز عالم است. برای هر کسی یک کاری می تواند این احساس را داشته باشد. اگر از نوشتن رهایی و خلاصی نداریم، اگر احساس می کنیم نوشتن در رُن یا سرنوشت یا تعهد ماست، رفتن به سمنش می تواند آرامش ما را تأمین کند و در طوفان های زندگی لنگرگاه ما باشد. البته بی هزینه و ساده هم نیست. دنیا و قوانین مادی و فیزیکی این طور کار می کند: به همان اندازه که می خواهید چیزی به دست بیاورید چیزی از شما می گیرد. اصلاً این طور نیست که شما همه چیز را ببرید. اگر می خواهید نویسنده یا در هر کاری خوب باشید، از چیزی به همان اندازه ارزشمند که دوست دارید باید بزنید.

او در ادامه افزود: اگر چند کاری را که جزو ذات و استعداد شماست انجام ندهید، هیچ وقت از زندگی لذت نخواهید برد و اگر در آن مسیرها گام بردارید حتما لذت خواهید برد. سرخوشی از نوشتن یا کاری که در آن استعداد یا به آن علاقه داریم بحثی بسیار طولانی است در نوروساینس ولی مقدّماتش را از من بپزیرید. زمانی بیشترین لذت را می بریم که مغز کمترین انرژی را مصرف می کند. مغز چه زمانی کمترین انرژی را مصرف می کند؟ زمانی که در شاهراه هایی گام برمی دارد که ژن ها و محیط و اراده در ما قرار داده است. ما به این ها می گوئیم استعداد. هر وقت شما دارید استعداد هایتان را محقق می کنید بیشترین لذت را می برید. من طرفدار آن گروهی از روان شناس ها هستم که می گویند شما فقط می توانید استعداد هایتان را پرورش دهید. نمی توانید استعداد به وجود بیاورید. اما استعداد به آن سادگی نیست که ما می گوئیم.

این مدرس داستان نویسی یادآور شد: چیزی به نام استعداد نویسنده گی یا موسیقی نداریم. استعداد های ما باید با هم ترکیب شود که شما نویسنده، موزیسین یا معلم خوبی شوید. اما آیا این کار آسانی است؟ نه. سخت است. اصلاً آسان نیست. اولین

